

واکاوی کتاب تاریخ بیداری ایرانیان

هادی بیاتی^۱

علی اصغر رجیبی^۲

چکیده

کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* نوشته ناظم الاسلام کرمانی یکی از مورخان مشهور عصر مشروطیت است. این کتاب از لحاظ اهمیت کتاب‌های تاریخی این دوره، در درجه اول قرار دارد و به علت ذکر حوادث تاریخی مشروطیت و بررسی تحلیلی روند حوادث، بسیار مهم و ارزشمند بوده و حقایق تاریخی فراوانی در آن نهفته است. ناظم الاسلام که خود از نزدیک در روند حوادث منجر به پیروزی نهضت مشروطیت بوده است، در این کتاب به نحو جالبی به طبقه‌بندی حوادث سیاسی از زمان ناصرالدین شاه تا سیزده رجب ۱۳۲۷ هـ ق پرداخته است. در این پژوهش نگارنده درصدد واکاوی تاریخنگاری ناظم الاسلام و ویژگی محتوایی کتاب می‌باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است تاریخ بیداری ناظم الاسلام از ویژگی‌هایی برخوردار می‌باشد که آن را از تواریخ ماقبل خود متمایز می‌کند از آن جمله می‌توان به موضوع محور بودن، ریشه‌یابی وقایع و تحلیل آن‌ها، توجه به نهادی اجتماعی و گستردگی منابع اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، مشروطیت، تاریخنگاری.

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی. (H_bayati52@yahoo.com)

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

تاریخ نگاری در ایران از عهد قدیم تا روزگار معاصر، جدا از استثناهای نادر، عموماً به شکل غیرعلمی نگاشته می‌شد. در این نوع از تاریخ نگاری، مورخان تنها مسائل سیاسی و نظامی را بدون توجه به موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌کردند. ویژگی غالب در همین تاریخ‌های سیاسی و نظامی که تنها زندگی شاهان، وزیران، خلفا و امرا در کانون توجه خود قرار می‌دادند؛ اغراق و چاپلوسی، همراه با نثری مصنوع و متکلف بود که بدون توجه به رابطه‌ی علت و معلولی و تجزیه و تحلیل مسائل نگاشته می‌شد. اما از عهد قاجاریه، به ویژه بعد از شکست‌های ایران از روسیه، به دلیل عواملی چون تأثیرپذیری از اندیشه و روش‌های نوین تاریخ نگاری اروپایی در سایه‌ی گسترش روابط ایران با غرب و ترجمه‌ی کتاب‌های آنان و عوامل داخلی میراث انقلاب مشروطه تاریخ نگاری در ایران به تدریج حالت سنتی را پشت سر گذاشته وارد مرحله‌ی نوینی شد. حاصل چنین تغییر و تحولی که سیر آن فراز و فرود و شدت و ضعف خاص خود را داشت، نگارش تعدادی از کتاب‌های تاریخی بود که در آنها مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در کنار مسائل سیاسی و در ارتباط با یکدیگر تجزیه و تحلیل شده‌اند. از جمله این کتب می‌توان به *تاریخ بیداری ناظم‌الاسلام کرمانی* اشاره کرد؛ که سهم عمده‌ای در تاریخ‌نگاری عصر مشروطه دارد و اثر او مورد توجه تمامی پژوهشگران عصر قاجار می‌باشد. بنابراین با توجه به موارد فوق ذکر هدف اصلی تحقیق ترسیم نمایی از شیوه تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام و ویژگی‌های محتوایی کتاب می‌باشد.

زندگی نامه ناظم‌الاسلام

میرزا محمد ملقب به ناظم‌الاسلام، در ۱۲۸۰ هـ.ق در کرمان به دنیا آمد. سال‌های کودکی و آغاز جوانی‌اش در این شهر به سبب به کسب دانش‌های متداول گذشت. در کرمان از محضر اساتیدی چون میرزا آقاخان بردسیری (برای فرا گرفتن منطق و شرح اشارات)،

حاج شیخ جعفر مجتهد (فقه و اصول) استفاده کرد و با شیخ احمد روحی معاشرت داشته است. وی پس از تحصیلات مقدماتی، به شوق تحصیل حکمت الهی در ۱۳۰۹ هـ.ق عازم تهران شد - همان سالی که قرارداد امتیاز تنباکو مردم تهران را دستخوش شور و هیجان کرده بود - و از محضر کسانی چون سیدشهاب الدین شیرازی، حاج میرزاحسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم آبادی، بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۱۲ هـ.ق عازم کربلا می‌شود. چون به تهران بر می‌گردد، پس از تأسیس «مدرسه‌ی اسلام» به ریاست سیدمحمدصادق طباطبایی، تعلیم برخی از دروس و نظامت مدرسه به عهده‌ی ناظم الاسلام گذاشته شد؛ از این رو ریاست مدرسه، وی را به «ناظم الاسلام» ملقب کرد و فرمان آن را میرزاعلی اصغرخان اتابک، صدراعظم وقت، صادر کرد. پس از استقرار مشروطیت، ناظم الاسلام به سبب کهولت و گرفتاریهای خانوادگی به کرمان رفت (۱۳۳۰ هـ.ق) و به شغل قضا در دادگستری (محکمه‌ی استیناف) پرداخت. وی در ۱۳۳۷ هـ.ق بر اثر آنفلوآنزا درگذشت (کرمانی، بخش ۱، مقدمه‌ی هاشمی کرمانی، بیست و هفت - سی و چهار). از آثار ناظم الاسلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شمس التصاریف (که به نام برادرش میرزا هدایت‌الله شمس‌الحکماء کرمانی تألیف نمود)، التحفه المهدیه معروف به علائم ظهور، انتشار روزنامه کوکب دری (که ابتدا هر قسمتی از مطالب تاریخ خود را در این روزنامه چاپ می‌کرد) (طهرانی، بی تا: ۴۷۵؛ مشار، ۱۳۵۵: ۳۵۵).

چگونگی انتشار کتاب

ناظم الاسلام سبب تألیف تاریخ بیداری ایرانیان را عاری بودن کتب تاریخی ایران از جنبه‌های عبرت آموز برای آیندگان ذکر کرده و نوشته است که پیوسته در این اندیشه بوده که به سبک مورخان اروپایی کتابی در تاریخ ایران بنگارد و نکات تاریخی را در آن مندرج سازد (کرمانی، بخش ۱، مقدمه: ۷-۸). وی از دوم ذیحجه ۱۳۲۲ ق. دیده‌ها و

شنیده‌های خود را درباره‌ی انقلاب مشروطه و بیداری ایرانیان ثبت کرد و چون به محافل آزادی خواهان آن زمان - که به دفاع از مشروطه تشکیل می‌شد - راه داشت، توانست گفتگوهای آنان را یادداشت کند؛ او نظر خود را نیز اغلب به آن‌ها می‌افزود (همان، بخش ۱، مقدمه‌ی سیرجانی: بیست و یک). وی ابتدا قسمتی از یادداشت‌هایش را به صورت پاورقی در روزنامه‌ی کوکب ڈری - که خود مدیر و ناشرش بود - منتشر کرد. ظاهراً توجه مردم به این پاورقی‌ها، ناظم الاسلام را به فکر چاپ و نشر جزوه‌های مستقلی با عنوان «تاریخ بیداری ایرانیان» انداخت.

بدین ترتیب چاپ اول این اثر به صورت جزوات هفتگی به قطع خشتی و به خط نسخ و حواشی و پاورقی به خط نستعلیق با چاپ سنگی و نقاشی صورت اشخاص و با کیفیتی تقریباً مناسب در پنجاه و پنج جزوه‌ی شانزده صفحه‌ای منتشر شد. ناظم الاسلام وقایع پیش از ذیحجه ۱۳۲۲ق. را نیز در هفده جزوه با عنوان «مقدمه‌ی تاریخ بیداری ایرانیان» منتشر کرد و در این جزوه‌ها گزارش گونه‌ای از مهم‌ترین وقایع دوره‌ی پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه نوشت (همان، بیست و یک - بیست و دو؛ مشیری، ۱۳۴۷: ۳۰۹).

در ۱۳۲۸-۱۳۳۰هـ.ق برای اولین بار میرزا حسن طهرانی این یادداشت‌ها را به صورت چاپ سنگی منتشر کرد. در ۱۳۲۴-۱۳۳۲ش، سیدمحمد هاشمی کرمانی این کتاب را به انضمام شرح حالی نسبتاً کامل از مؤلف و مقدمه‌ای درباره‌ی کتاب، در قطع وزیری و با حروف سربی و جلد ممتاز منتشر کرد (مشار، ۱۳۵۵: ۱/ستون ۱۰۴۷؛ مشیری، ۱۳۴۷: ۳۱۰). چاپ سوم در ۱۳۴۶ش، و بنابر سرلوحه‌ی کتاب، ظاهراً به یادگار جشن‌های تاجگذاری (همانجا)، در سه مجلد و به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی منتشر شد. چاپ چهارم و پنجم نیز به ترتیب در ۱۳۶۲ش و ۱۳۷۶-۱۳۷۷ش، در دو مجلد نشر یافت.

مجلد اول تاریخ بیداری ایرانیان مشتمل است بر مقدمه، جلد اول، دوم و سوم و

حاوی زندگینامه‌ی گروهی از رجال معاصر مؤلف و وقایع دوره‌ی ناصری و مظفری. این مجلد رویدادهایی از ذیحجه ۱۳۲۲ تا رمضان ۱۳۲۴ هـ.ق را شامل می‌شود. مباحث مقدمه در شرح حال آزادی خواهانی چون سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزارضا کرمانی، روحانیانی چون سیدمحمد طباطبایی، و دولتمردان ترقی خواهی چون میرزاحسین خان سپهسالار و امیرکبیر است. ناظم الاسلام نقطه‌ی شروع ترقی ایرانیان را دوران صدارت امیرکبیر دانسته است (کرمانی، ۱۳۴۶: ۶۶/۱). وی همچنین حالات ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را شرح داده و آنان را پادشاهانی دمدمی مزاج و ساده لوح معرفی کرده است (همان: ۱۲۷/۱ و ۱۳۱).

ناظم الاسلام در مقدمه، شرح مبسوطی بر امتیازنامه‌ی رژی نگاشته و به دعوای میان علما و دربار بر سر این امتیاز پرداخته است و نامه‌ها و تلگرام‌های متعددی را که میان طرفین ردوبدل شده، آورده است (همان: ۱۹/۱-۶۰). مضامین سه جلد نخست این کتاب مشتمل است بر: مباحث مطرح شده در انجمن مخفی، واقعه‌ی کرمان و غوغای میان متشرعه و شیخیه، واقعه‌ی عمارت بانک یا مدرسه چال، ذکر تاریخچه‌ای از وضع ارامنه و رواج شایعه‌ی تکفیر مظفرالدین شاه از سوی سیدعبدالله بهبهانی به جرم تحریک ارامنه به قتل سلطان عبدالحمید، بیان رویدادهایی درباره‌ی مهاجرت علما به حضرت عبدالعظیم و سپس قم و تحصن در سفارت انگلیس تا صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه که با ذکر اسامی روزنامه‌ها و مدارس موجود در دوره مظفری به پایان می‌رسد. در این مجلد، ناظم الاسلام کوشیده تا وقایع را روزبروز بنویسد، به طوری که مطالب جلد سوم ثبت روزبروز وقایع از هجدهم جمادی الاولی ۱۳۲۴ تا اول رمضان ۱۳۲۴ هـ.ق است. اسناد مربوط به نامه‌ها و تلگراف‌هایی که در این بخش ذکر شده از لحاظ شناخت وضعیت حوادث سیاسی آن روزگار بسیار مهم تلقی می‌شود.

مجلد دوم حاوی جلد‌های چهارم و پنجم و اضافات و ملحقات است و وقایع شوال ۱۳۲۴ تا رجب ۱۳۲۷ هـ.ق را دربر دارد. یکی از مطالب مهم کتاب تاریخ بیداری

ایرانیان، بخش پایانی یادداشت‌های مؤلف است که سعیدی سیرجانی آن را گردآوری و تدوین کرده است. سیرجانی این بخش را منبعی مستند و مطمئن برای محققان می‌داند (همان: ۲/مقدمه‌ی سیرجانی:سی و هفت). در این بخش نیز ثبت وقایع روزانه تا بیستم صفر ۱۳۲۵هـ.ق ادامه یافته، ولی از این تاریخ تا سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶هـ.ق در ثبت وقایع وقفه افتاده است. ظاهراً مؤلف تا وقایع بیستم صفر ۱۳۲۵هـ.ق را برای چاپ آماده کرده بوده که با علنی شدن مخالفت محمدعلی شاه با مجلس و رویارویی شاه و ملت، موقع را برای نشر بقیه‌ی جزوه‌ها مقتضی ندانسته و از تنظیم بقیه‌ی مطالب خودداری کرده و این سکوت تا جمادی الاولی ۱۳۲۶هـ.ق ادامه داشته است (همان:هفتاد و یک). سیرجانی در یادداشت مقدمه‌ی چاپ چهارم اشاره کرده که مجموعه‌ای از یادداشت‌های این دوره را هاشمی کرمانی در اختیار وی قرار داده که تعدادی از آن‌ها را در متن گنجانده و بقیه را در آینده با عنوان «متمم تاریخ بیداری» منتشر خواهد کرد (همان: ۱/ سیزده).

ناظم الاسلام از چهارم جمادی الاولی ۱۳۲۶ به ثبت وقایع روزانه ادامه داد، ولی این بار به سبب پیش آمدن اوضاع ویژه‌ای پس از به توپ بستن مجلس که از آن به «یوم التوب» یاد می‌کند (همان: ۱۷۱/۲)، و با تعطیلی مشروطه، لحن خود را تغییر داد و جانب احتیاط را در پیش گرفت. یادداشت‌های این دوره غالباً با عباراتی که حاکی از ترس است، نوشته شده است. وی گاهی نیز از نوشتن وقایع خودداری کرده (همان: ۲۰۲/۲ و ۲۱۹) و حتی به سران مشروطه تاخته و ملک‌المتکلمین (حاج میرزانصرالله) و سیدجمال واعظ را متهم کرده است که مشروطه را بهانه‌ی دخل خود کرده‌اند (همان: ۲۰۶/۲). وی در موارد بسیاری از جهل مردم نالیده و آن را مانع ترقی دانسته است (ر.ک: همان: ۱۶۳/۲، ۱۶۸، ۱۷۱، ۳۶۳، ۴۸۸). آخرین جلد تاریخ بیداری ایرانیان با شرح وقایع سیزدهم رجب ۱۳۲۷ق. به پایان می‌رسد، ولی مطلب ناتمام مانده است ظاهراً مطلب بقیه داشته اما از ادامه‌ی یادداشت‌های ناظم الاسلام چیزی باقی نمانده است، جز یک صفحه که حاوی

وقایع دوازدهم تا چهاردهم رمضان ۱۳۲۹ق. است (همان: ۲ / مقدمه‌ی سعیدی، شصت و نه).

ویژگی تاریخنگاری ناظم الاسلام

الف: موضوع محور

هر چند فرم تاریخنگاری کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* نسبت به تواریخ قبل تغییر نکرده اما تفاوت اساسی با تواریخ قبل دارد و آن محوریت قرار گرفتن موضوع خاص می‌باشد. به طوری که موضوع اصلی آن مشروطیت می‌باشد. ناظم الاسلام در این کتاب علل مشروطیت را ریشه‌یابی می‌کند و براساس بینش خود این قضایا را شرح می‌دهد. وی در واقع خاطرات و شنیده‌های خود را فقط در موضوع مشروطیت شرح می‌دهد و به حوادث دیگر کاری ندارد و اساس کتاب توجه به تاریخ مشروطیت است. لذا در این دوره، از حمد و ستایش شاهان و درباریان دیگر خبری نیست و عده‌ای از مورخان زمینه را برای محوریت قرار گرفتن دادن موضوعی خاص را فراهم آوردند. از جمله می‌توان به رساله تحریم دخانیه اشاره کرد که در اواخر دوره‌ی ناصری توسط شیخ حسن کربلایی نوشته شد، وی در مورد یک رویداد بزرگ برضد سیاست دولت قلم فرسایی کرد و زمینه را برای تاریخنگاری موضوع محور آماده کرد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا در این دوره مورخان با مسائلی سروکار دارند که موضوع محور است؟ در پاسخ به این سؤال باید چنین اذعان نمود که در این دوره مبحث سیاست در حال دگرگونی است و سیاست به کوی و خیابان‌ها کشیده شده است و درباریان و حکومت دیگر استبداد اولیه را ندارند. به طوری که حکومت با مردم، روزنامه‌نگاران، مشروطه خواهان و مجلسیان درگیر است و به همین علت با نسل جدیدی از مورخان ظهور می‌کند که برخلاف مورخان قبلی، بیرون از دربار و خود شاهد واقع هستند و برای دریافت پاداش تاریخنگاری نمی‌کنند و مخاطبان آن‌ها بیشتر مردم می‌باشند و برای

درباریان نمی‌نویسند. همچنین، این مورخان در زمانی که تاریخ می‌نویسند، خودشان مورد ستم حکومت قرار گرفتند.

ب: ریشه‌یابی وقایع و تحلیل آن

اساساً تفکر ریشه‌یابی وقایع در این دوره در حال شکل‌گیری می‌باشد، همچنین و چگونگی گسترش و عوامل شکست مشروطه را نام می‌برند. لذا یکی از تفاوت‌های اساس تاریخنگاری ناظم الاسلام با مورخان دوره‌های قبل ریشه‌یابی علل شکل‌گیری و شکست مشروطیت و تحلیل رویدادها است. وی زمانی که وقایع را ریشه‌یابی می‌کند نهضت تنباکو را سرآغاز بیداری عملی نهضت مشروطه می‌داند و حتی وقتی به بیدادگران می‌پردازد در کنار آن‌ها افرادی را معرفی می‌کند که در مشروطیت نقش فعالی داشتند، نظیر؛ شیخ احمد روحی، شیخ احمد کرمانی و... وی حتی به افرادی که میرزا رضای کرمانی را تحریک به قتل ناصرالدین شاه می‌کنند، اشاره می‌کند، که ناشی از شجاعت اوست. بنابراین اگر یادداشت‌های روزانه از قسمت‌های دیگر کتاب حذف شود، ناظم الاسلام وقایع دیگر را به طور اخص ریشه‌یابی کرده است و براساس تحولات سیاسی روز تاریخنگاری نموده است.

ج: وقایع نویسی

به طوری که پیداست غرض اصلی ناظم الاسلام از تألیف کتاب نقل وقایعی است که دیده یا شنیده است، و بدین کار دل‌بستگی و اهمیت زیادی قائل بود به طوری که در روز واقعه‌ی به توپ بستن مجلس خود حاضر و ناظر بوده و چند بار عزم کرده که اسلحه بردارد و رو به مجلس آورد. بنابراین نوشته‌های وی حالات شخصی و خشک نیست، بلکه یادداشت‌هایی است که نویسنده در اغلب انجمن‌ها و محافل مؤثر عهد خویش راه داشته و هر چه می‌دیده و می‌شنیده است، ثبت کرده است و گاهی هم در ثبت وقایع با

مشکلاتی خاصی روبرو بود. به طوری که آورده است: «رفقا به واسطه اینکه حاج جلال الملک به آن‌ها گفته است، ناظم حرف‌های شما را در تاریخ می‌نویسد و خودش هم مشروطه خواه است، از من ملاحظه دارند و در واقع تقیه می‌نمایند» (همان: ۲/ ۲۰۶).

د: ذکر انجمن مخفی

اساساً در مشروطه و قبل از آن انجمن‌هایی در حال شکل‌گیری می‌باشد که در کتب تاریخی به آن‌ها اشاره شده، که نشان می‌دهد که گروهی از مبارزان سیاسی نوعی سازمان سیاسی و سرّی ایجاد می‌کنند. از جمله این انجمن‌ها می‌توان به انجمن مخفی اشاره کرد که توسط یکی از رهبران مشروطه یعنی سید محمد طباطبایی ایجاد شد. ناظم الاسلام از جمله افراد شاخص این انجمن به شمار می‌رفت و از نزدیک شاهد فعالیت‌های انجمن بود. لذا در مورد انجمن مخفی، کتاب ناظم الاسلام یک منبع بی‌نظیر است و وی در این کتاب، از کسانی نام می‌برد که در وقایع حضور داشتند و اسم و فعالیت‌های آن‌ها را می‌آورد.

ه: آزادی طلبی

ناظم الاسلام اساساً عاشق آزادی و دلباخته حکومت قانون و به نوعی مشروطیت بود. به طوری که تألیف کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* و ثبت وقایعی که مایه بخش نهضت مشروطت در ایران شد و دلبستگی وی به ثبت فعالیت‌ها و اقدامات آزادی خواهان و مجاهدان و حتی اقدام به تأسیس انجمن مخفی، عدالت خواهی و آزادی طلبی وی را نشان می‌دهد. بنابراین این ادعا در قسمت‌های متعددی از کتاب آشکار است؛ چنانچه روزی که پس از ماه‌ها انتظار آمیخته به نگرانی و تردید، نمایندگان ملت از قانون اساسی، که سرانجام به توشیح محمدعلی شاه رسیده ست، استقبال می‌کنند و خطابه می‌خوانند، مؤلف از شدت شادی سر از پا نمی‌شناسد و اشک شوق از دیدگان فرو می‌بارد و با

عباراتی اینگونه ابراز شادمانی می‌کند و می‌گوید: «چنین روزی را مگر در خواب می‌دیدم که به این زودی و این آسانی و این ارزانی مملکت و وطن ما صاحب قانون اساسی شود و ملت در زیر سایه معدلت زندگانی نمایند» و با اخلاص و ایمان خاص خویش از خداوند می‌خواهد که: «ارکان این اساس مقدس را مستحکم و مشید فرماید» (همان: ۳۶). وی برای مظفرالدین شاه - با ذکر این نکته که مملکت را زیر بار قرض برده و ایران را ورشکسته به جهانیان معرفی کرد، طلب مغفرت می‌کند و می‌آورد: «به عالم تمدن خدمت کرده، همین اعطاء مشروطیت و افتتاح مجلس مبعوثان و بیداری مردم ایران از آثار این پادشاه عادل بوده» (همان: ۵۷).^۱

و: گستردگی منابع

گستردگی منابع ناظم الاسلام در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* قابل ذکر است که بازتاب رویدادهای مجلس، درباریان و وقایع روزانه و ... می‌باشد که مرتبط با شنیده‌ها و دیده‌های خود است. وی علاوه بر استفاده از دیده و شنیده‌های خود در تاریخنگاری از روزنامه‌ها، اعلامیه‌ها و لوایح، شبنامه‌های مخفی و ... استفاده فراوان می‌کند. همچنین برای اولین بار است که در تاریخنگاری ایرانی نویسنده از کتابها و مقالات خارجی استفاده می‌کند.

ز: ذکر اخبار متواتر از وقایع

مؤلف زمانی که با اخبار ضد و نقیض روبرو می‌شود، همه آن‌ها را در فصل‌های کوتاهی از هم می‌آورد و راستی و نادرستی آن را برعهده خواننده قرار می‌دهد. به طوری که در مورد سردار ارشد می‌آورد «سردار ارشد از رفتن به آذربایجان منصرف گردید و روانه اصفهان شده است» (همان: ۲/۲۷۵). در جای دیگر می‌آورد «سردار عازم تبریز است و

^۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به کرمانی، ۱۳۴۶: صفحات ۱۵۷، ۵۷، ۳۶.

الآن در قزوین می‌باشد و از قزوین رفته است» (همانجا). نمونه دیگر واقعه تیراندازی به شیخ فضل الله نوری است، چنانچه در این مورد آورده است: «ضارب شیخ فضل الله فوت کرده است» و در جای دیگر می‌آورد، هنوز نمرده است و «در خانه مجلل السلطان او را معالجه می‌کنند و گویا مردنی است و اگر هم بهتر شود، گویا دیگر نمی‌تواند حرف بزند» (همان: ۲/۲۷۶). دو روز بعد که می‌شنود حال کریم دواتگر، ضارب شیخ، بهتر است و رو به بهبود است. در جای دیگر باز می‌آورد «از قرار مذکور کریم، ضارب شیخ فضل الله را این ایام در سلطنت آباد کشته‌اند. ما کراراً قتل این جوان را شنیده و نوشتیم، دیگر نمی‌دانم این مسموع هم مثل سایر مسموعات است یا آنکه صدق است» (همان: ۳/۴۸۷). بنابراین ناظم الاسلام به علت همین رواج شایعات گوناگون و اغلب ضد و نقیض است که جا به جا با نقل بعضی خبرها تردید خود را بیان می‌کند و مسئولیت صحت آن را به عهده نمی‌گیرد. چنانچه فتوایی از علمای نجف در دست این و آن می‌بیند، می‌گیرد و به عبارت نقل می‌کند و در پایان می‌افزاید ولی «رجوع و صدق این احکام بعد از این خواهد بود که رجوع خواهیم نمود، ان شاء الله» (همان: ۲/۲۱۵). گاهی هم از شایعات باورنکردنی صرفنظر می‌کند و می‌آورد «اخبار دیگر مسموع افتاد که اطمینان به صحت و صدق آن‌ها ندارم» (همان: ۲/۲۱۷).^۱

ط: بروز احساسات

از ویژگی‌های دیگر ناظم الاسلام در تاریخنگاری خود احساسی نوشتن است. به طوری که وی در جای جای کتاب در مواجهه با حوادثی که خوشایند و ناخوشایند است، با بیان احساسات خویش آن واقعه را شرح می‌دهد؛ چنانچه در یادداشت‌های روز سه شنبه ۲۴ جمادی الآخر ۱۳۲۷ هـ ق - یعنی روز پس از ورود مجاهدان و شکست دولتیان و تصرف تهران - لحن کلام مؤلف تغییری فاحش می‌کند «در این روزها مستبدان و

^۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید: به کرمانی، ۱۳۴۶: صفحات ۲۶۴، ۲۱۵، ۴۸۸.

سربازهای سیلاخوری هدف گلوله شده و به جهنم واصل می‌شوند» (همان: ۴۸۷/۳). یا در جای دیگر از خونریزی و کشتار متنفر است و از اغتشاش و بلوا رنج می‌برد و با شنیدن اخبار جنگ منقلب می‌شود و می‌نویسد: «اخبار موحش از آذربایجان می‌رسد، خدا کند دروغ باشد، دیگر ضرر بس است، مردم در این دو ساله از دست رفتند، خدا لعنت کند...» (همان: ۱۶۴/۲). حتی نفرت و انزجار وی از ناامنی و آشوب به حدی می‌رسد که از مشروطه مورد علاقه‌اش هم صرف نظر می‌کند، به طوری که در پاسخ دوستی که از همراهی نکردن بازاریان برای بستن دکان‌ها و اعتراض به استبداد شکوه می‌کرده است می‌گوید: «خوب کردید که دیگر اقدام نکردید، زیرا که تعطیلی جز صدمه مردم و باز هرج و مرج راه افتادن دیگر نتیجه‌ای ندارد. مشروطه هر قدر خوب باشد تا میل نباشد، فایده ندارد...» (همان: ۲۷۲/۲).^۱

ی: ترس و احتیاط و غم نان

ناظم الاسلام در طول این دوره همواره هواخواه مشروطیت بود، به طوری که زمانی که فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه می‌رسد، اشک شوق از دیده می‌بارد و یا وقتی که تندروی مجلسیان و افزون طلبی آن‌ها را می‌بیند، نگران از دست رفتن مشروطه می‌باشد و زمانی که دوران استبداد صغیر بوجود می‌آید، دچار ترس و احتیاط می‌شود. بنابراین ترس از مأموران دولت و ترس از گرسنگی زن و فرزندان مانع از آن نمی‌شود که به تناقض گویی در مورد اشخاص پردازد و بسیار ملایم و معتدل عمل کند. مثلاً «امروز کاغذی نوشتم به ارشد الدوله و نهایت عجز و لابه و تملق و چاپلوسی را کردم» (همان: ۱۲۷/۱). در زمانی که مجلس به توپ بسته شده بود و آزادی خواهان تارو مار شدند و کسی جرأت نفس کشیدن نداشت، ناظم الاسلام همچون دیگر مشروطه خواهان وحشت زده بود. با اینکه تندروی نکرده بود اما می‌ترسید به جرم ارتباط با طباطبایی و

^۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به کرمانی، ۱۳۴۶؛ صفحات: ۴۷۸، ۳۵، ۳۶، ۱۵۷.

عضویت در انجمن مخفی و نوشتن روزنامه کوکب دری و تمجید از مشروطه به سراغ او هم بیایند. لذا وی نیز چاره‌ای جز فرار نداشت. بنابراین در اوضاع آشفته، وی به فکر استفاده از آشنایی و دوستی با ارشدالدوله می‌افتد، به او نامه می‌نویسد و از او تقاضای ملاقات می‌کند (همان: ۱۷۲/۲-۱۷۳). همچنین مقارن این ایام، لحن خود را نیز در نگارش تاریخ معتدل می‌کند. به طوری که درباره‌ی مشروطیت می‌نویسد: «ما نباید گول مردم را بخوریم، می‌خواهند مشروطیت را بدهند، می‌خواهند ندهند، ربطی به ما ندارد. بس است هر قدر نشستیم و اختیار را در دست چند نفر مفسد داده تا مملکت را به این حال انداختند، شاه صاحبخانه است. صلاح مملکت را خسروان دانند. ما قسم خوردیم که حامی مشروطیت صحیح و مشروع باشیم، نه حامی فساد و هرج و مرج...» (همان: ۲۰۲/۲). گاهی هم از نوشتن مطالب تحریک‌انگیز خوداری می‌کند و با عبارتی چون می‌آورد: «اخبار مختلف شنیده شد که نمی‌توان نوشت» (همان: ۲۱۹/۲). بنابراین در قسمت‌های مختلف از این گونه عبارات که زائیده ترس است جابه جا به چشم می‌خورد. در مورد غم نان، به طوری که ممر معاش او در سال‌های اخیر چاپ روزنامه بوده است. بنابراین پس از واقعه مجلس دیگر انتشار کوکب دری امکان نداشت. لذا ناچار دست به فروش و گرو گذاشتن اثاثیه می‌زند (همان: ۱۷۴/۲). گاهی هم غم نان، نویسنده را دچار مشکل می‌کرد. لذا وی ناچار است گاهی به نعل و گاهی به میخ بزند. به طوری که در ذکر مشروطه آورده است: «اگر شاه جلوگیری نکرده بود، امروز نه از ایران اسمی بود و نه از اسلام، خدا بیامرزد ملک المتکلمین و امثال او را که ملت را بد نام کردند و مشروطه را بد به قلم دادند. پس حرف‌های ما که روز اول می‌گفتیم مشروطیت در مملکتی که تمامش جهل است، فایده ندارد...» (همان: ۲۳۸/۲). بنابراین همین ترس و فقر است که طرز تعبیر او از حوادث را تغییر می‌دهد. لذا بعضی از محققین جدید اعتقاد دارند که در موقع چاپ تاریخ بیداری بخش مهمی از حوادث مشروطه عمداً سانسور شده است و علت آن را غم نان و خوف جان دانسته‌اند

(ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۹۱؛ براون، ۱۳۶۹: ۳۶۱/۴).

دیدگاه مورخان در مورد تاریخ‌بیداری

بسیاری از مورخان تاریخ مشروطیت از تاریخ‌بیداری ایرانیان استفاده کرده‌اند، از جمله کسروی در کتاب *تاریخ مشروطه* و... اما دیدگاه مورخان نسبت به آن متفاوت است. ادوارد براون، مؤلف *تاریخ ادبیات ایران*، کتاب را از نظر سبک و جمله‌بندی و استناد، بر تاریخ‌های عمومی افرادی چون رضا قلی‌خان هدایت و لسان‌الملک (میرزا محمدتقی‌خان سپهر) برتر دانسته است. همچنین وی این کتاب را بدلیل ذکر اسناد بی‌شمار و کوشش نویسنده آن در نشان دادن نفوذ اشخاص در وقایع سیاسی ارزشمندتر از کلیه کتب تاریخی ایران از دوره ایلخانان مغول تا زمان حیات خود دانسته است (همانجا).

مهدی ملک‌زاده، مؤلف *تاریخ مشروطیت ایران*، معتقد است که گرچه تاریخ‌بیداری ایرانیان دارای مطالب سودمندی است و نویسنده به بعضی از حوادثی که در آن زمان رخ داده، علاقه مند بوده یا اطلاع بیشتری از آن‌ها داشته است، ولی چون ناظم الاسلام قسمت اعظم کتاب را به شرح محافل سرّی اختصاص داده و اقدام وی و یارانش نیز در این محافل در پیدایش مشروطیت ثمری نداشته است، می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب برای آیندگان نوشته نشده، بلکه برای خوشامد کسانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند، تألیف شده است. وی همچنین معتقد است که ناظم الاسلام مطالب دور از حقیقت را جعل کرده و موجب لکه‌دار شدن تاریخ شده است (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۹۸/۱)، اما باستانی پاریزی مطالب کتاب را صددرصد واقعی و صادقانه دانسته و معتقد است که اعترافات ناظم الاسلام در احوال خصوصی خود و ترسی که پس از به توپ بستن مجلس بر او عارض شده بوده، حاکی از صدق و صحت بقیه‌ی مطالب است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۵۰: ۱۷۰).

ناظم الاسلام برای خود رسالتی بزرگ قایل بوده و آن حفظ سنگر تاریخ نویسی مشروطه بوده است، از این رو اعتراف می‌کند که در یوم التوب به سبب ترس از کشته

شدن از حضور در صحنه‌ی منازعه خودداری کرده است تا فرصت نگارش این تاریخ را داشته باشد (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۵۷/۲). ناظم الاسلام کرمانی در این کتاب، که علی اصغر شمیم آن را نخستین مجموعه مدون از وقایع و حوادث مربوط به انقلاب مشروطیت ایران دانسته است، از مسائل و وقایع بسیار مهمی نام برده است. نویسنده اگرچه این حوادث مهم را تحت عناوین مشخص به عنوان علل و ریشه‌های بروز انقلاب مشروطیت قلمداد نکرده است ولی روش فصل بندی و طرز نگارش و ترتیب منطقی و تسلسل زمانی که در این نوشته‌ها رعایت شده، نمایانگر آن است که ناظم الاسلام ریشه نهضت مشروطیت را مرتبط با دوران سلطنت ناصرالدین شاه می‌داند. از جمله واقعه اعطای انحصاری دخانیات از طرف شاه به یک فرد بیگانه را که مقاومت منفی شدید مردم را در پی داشت (نهضت تحریم تنباکو) را نخستین نشانه بیداری مردم ارزیابی کرده است. سیاستمداری همچون میرزا علی‌خان امین الدوله، میرزا ملکم‌خان و آزادیخواهان و روشنفکرانی نظیر شیخ احمد روحی کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حسن خان خبیرالملک نیز، از دیگر عوامل بیداری مردم ایران در به ثمر رساندن انقلاب مشروطیت یاد شده‌اند. ناظم‌الاسلام همچنین احترام ویژه‌ای برای امیرکبیر قائل بوده و با اشک و اندوه از شهادت وی بدست دژخیمان ناصرالدین شاه سخن گفته است (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۶۴). همچنین برخی مورخان کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* را یکی از مهم‌ترین کتب تاریخی دوره قاجاریه بویژه در عهد مشروطیت می‌دانند (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۱۱؛ وهرام، ۱۳۶۸: ۱۶۴).

نشر کتاب

نشر *تاریخ بیداری ایرانیان* بر خلاف سایر کتاب‌های دوران قاجاریه سلیس و روان است و مؤلف با جملاتی رسا و شیوا حوادث تاریخی ایران را در این دوره طوفانی به تصویر کشیده است. چنانچه در مورد فتح تهران می‌نویسد: «... امروز برخلاف سال گذشته که

مجلس را به توپ بستند، مردم در یک بهجت و سرور و فرح و خوشحالی واقعد و نیز برخلاف سال قبل با ورود اشخاص مختلف و میهمان غریب در شهر یک امنیت و آرامی است. در سال گذشته که مجلس را به توپ بستند، مردم در ترس و خوف به خانه‌های خود خزیدند، لکن امروز مردم در کوچه و بازار به یکدیگر می‌رسند و یکدیگر را تبریک و تهنیت می‌گویند» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۴۸۷، ۲۸۶، ۲۸۳، ۴۰۵). اما مؤلف در موارد متعددی از کلمات فرنگی استفاده کرده و آن‌ها را به صورت‌های مختلف در متن ضبط کرده است (همان: ۴۰۵، ۲۸۶، ۳۸۳).

ویژگی محتوایی کتاب

این کتاب از ویژگی‌های چندی برخوردار است؛ از جمله شامل اخبار و اطلاعات دست اولی است که از مذاکرات و گفتگوهای سیاسی رهبران مشروطه تهران (به ویژه سید محمد طباطبایی) به دست می‌دهد. ناظم الاسلام سال‌ها نظامت «مدرسه اسلام» را که طباطبایی مؤسس آن بود، بر عهده داشت و در جریان نهضت نیز یکی از نزدیکان و محارم طباطبایی بود. می‌گویند اطلاعاتی که ناظم الاسلام از نحوه تفکر سیاسی رهبران مشروطه ذکر می‌کند، در واقع جهت حرکت جریان مشروطه را مشخص می‌سازد. لذا این کتاب وقایع و جریانات تاریخی معطوف به افراد را مورد بررسی قرار داده است. همچنین بخش اعظم کتاب به حالات و موضع‌گیری‌های میرزا تقی خان امیرنظام اتابک اول، سید جمال‌الدین اسدآبادی، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، میرزا ملکم خان، امیر اعظم و نیز واقعه رژی، تلگراف اول و دوم میرزای شیرازی به ناصرالدین شاه، واقعه مسجد شاه یا هجرت صغری، واقعه مشهد رضوی، عریضه آقای طباطبایی به مظفرالدین شاه، واقعه تحصن در سفارتخانه و عریضه ملت به مظفرالدین شاه با اسناد و تصاویری چند از شخصیت‌های موجود در کتاب همراه شده است.

به علاوه، تاریخ بیداری ایرانیان به باور برخی اولین تاریخ مدون مشروطیت است.

اما این مطلب صحیح نیست، اولین اثر مدون تاریخ مشروطه، از ولد میرزا نصرالله تفرشی تحت عنوان *تاریخ انقلاب ایران* در عصر مشروطه روزانه نوشته شده است. اگرچه نباید از نظر دور داشت که نویسنده آن (ناظم الاسلام کرمانی) اطلاعات با ارزشی را در آن شرایط نبود امکانات به زحمت فراهم آورده، ولی کاستی‌های کتاب و مصلحت اندیشی‌های نویسنده را نیز نباید فراموش کرد. برخی از مطالب کتاب در موقع چاپ توسط خود نویسنده بازنویسی و تغییر داده شده است. ناظم الاسلام علت آن تغییر و تحریف وقایع و کتمان حقایق را ترس از تهدیدهای برخی افراد تندرو و مفسد ذکر کرده و در این باره می‌نویسد: «بنده نگارنده مقاله‌ای به عنوان نقض عهد نوشتم و آن از ترس چند نفر مفسد بود و الا خود معتقد به صحت آن نمی‌باشم. چنانکه بقیه مقاله را می‌نویسم تناقض با اول مقاله معلوم خواهد گردید. چه کنم زمانه بد زمانی است، الیوم نگارنده از شاه و درباریان نمی‌ترسم ولی از ملک المتکلمین و سید جمال و سایر مفسدین نهایت خوف و ترس را دارم» (همان: ۱۵۴/۴).

مصحح کتاب مزبور، آقای علی اکبر سعیدی سیرجانی، چند جا به تغییر و حذف مطالب کتاب اشاره کرده و می‌نویسد: «مؤلف همچون دیگر ابناء روزگار تقیه کرده و یا از نقل بعضی مطالب چشم پوشیده و احياناً در مواردی از صراحت و واقع گویی منحرف شده و این نقطه ضعف کار اوست. ضعف بزرگی که نادیده گرفتنش کار ما نیست» (همان: مقدمه، پنج تا ده، چهل و شش).

ناظم الاسلام در جریده کوکب دری علت خلاف واقع نوشتن را این چنین توضیح می‌دهد: «این مقاله را در ساعت چهار از شب گذشته با ششلول به این بنده نگارنده رسانیدند به این طور، در یک دست ششلول و به یک دست مقاله با نهایت بی‌احترامی... این مقاله را بدون تصرف در روزنامه کوکب دری بنویس ... و تصرفی در عبارات نکن و الا حقت را می‌دهیم، عرض کردم اطاعت می‌کنم» (جریده کوکب دری، ۱۳۲۵ق:ص ۶۴).

بنابراین با توجه به شواهد فوق تا حدودی می‌توان از وضع تاریخنگاری مشروطه آگاه شد. همچنین گذشته از ترس مفسدین و تهدید ششلول، ناظم الاسلام بیش از حد محافظه کاری را سر لوحه کار خویش قرار داده است. گویا او نمی‌خواهد برخلاف گفته کسی مطلبی بنویسد، بلکه می‌خواهد، مطالبش خوشایند همه باشد. او نمی‌خواهد باعث رنجش دوستان و اطرافیان باشد. با اینکه از صحت و سقم مطالب آگاه است، با این حال به طور صریح آن را نمی‌نویسد تا مبدا کسی دلگیر شود. با کوشش زیاد سعی می‌کند جمع بین اقوال نادرست و درست را بنماید، مثلاً در خصوص ادعای یحیی دولت‌آبادی که می‌گوید: «درخواست عدالتخانه را من در عداد مستدعیات علما اضافه کردم و الا این مطلب جزو درخواست متحصنین حضرت عبدالعظیم (ع) نبود». ناظم الاسلام با اینکه خبر دارد، سخن یحیی دولت‌آبادی ادعایی بیش نیست، به طور صریح حقیقت را نمی‌گوید و ادعای او را رد نمی‌کند در لفافه حرف می‌زند و جمع اقوال کرده، مطلب جدیدی می‌سازد و جریان تازه‌ای می‌تراشد.^۱ (همان: مقدمه، ۳۵۸).

بنابراین در موقع استفاده از کتاب مزبور انتقادهای افرادی چون کسروی و ملک‌زاده و ناصرالملک و برخی دیگر از نویسندگان و محققان عصر حاضر را باید مد نظر قرار داد (کسروی، ۱۳۷۳: ۴؛ ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۱/۱). در مورد صحت و سقم مطالب کتاب تاریخ بیداری تأمل و تحقیق بیشتری باید کرد. وی از دوم ذیحجه ۱۳۲۲ هـ ق دیده‌ها و شنیده‌های خود را درباره انقلاب مشروطه و بیداری ایرانیان ثبت کرد و چون به محافل آزادی خواهان آن زمان — که به دفاع از مشروطه تشکیل می‌شد — راه داشت، توانست گفتگوهای آنان را یادداشت کند؛ او نظر خود را نیز اغلب به آن‌ها می‌افزود (کرمانی، ۱۳۴۶: مقدمه سیرجانی، بیست و یک). بنابراین به طور طبیعی وقتی یک نویسنده

^۱. ناظم الاسلام در این باره می‌گوید: «رسم نگارنده نیست که غلط و اشتباه دیگران را اظهار کند» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۶۳/۲).

از یک جریان سیاسی حمایت می‌کند و خود وی هم در آن جریان فعال است، نمی‌توان از وی انتظار داشت که در آن قضیه بی‌طرف باشد.

همچنین، قلم شجاعانه نویسنده در انتقاد و تنفر از ناصرالدین شاه در سراسر این کتاب به چشم می‌خورد: «در ایران همه‌گونه مناهای و ملامتی در عهد این پادشاه آشکار شد. دشمن تعلیم و معارف و آزادی قلم و افکار بود. از مدایح خود مسرور می‌شد، خویش را دیپلمات جلوه می‌داد، از تاریخ بی‌اطلاع نبود، عربی و فارسی و ترکی و فرانسوی می‌دانست، غالب در سیر و شکار بود و نیکو تیر می‌انداخت. خوش ظاهر و بد باطن بود. هزاران نفوس بی‌گناه را فدای نفس و شهوت رانی خود ساخت. خدمات صادقانه را اصلاً منظور نمی‌داشت. مخلص کسی بود که راه مدخول اعم از مشروع و غیر مشروع به او می‌نمود. الحق والانصاف ایران بهر جهت بر باد کرده اوست». اشاره به واژه‌ی مشروطه و چگونگی فهم مردم از آن، چگونگی رواج ساختن مدرسه، موضع روحانیون پیش از مشروطه نسبت به اوضاع جامعه، از ویژگی‌های مهم دیگر این کتاب می‌باشد.

نتیجه‌گیری

کتاب تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی نخستین مجموعه مدون از وقایع و حوادث مربوط به انقلاب مشروطیت ایران است، که از مسائل و وقایع بسیار مهمی بی‌پرده نام برده است. این کتاب بدلیل ذکر اسناد بی‌شمار و کوشش نویسنده آن در نشان دادن نفوذ اشخاص در وقایع سیاسی یکی از مهم‌ترین کتب تاریخی ایران تا دوره مشروطه می‌باشد.

ناظم الاسلام در این کتاب از منابع گسترده استفاده نموده است که بازتاب رویدادهای مجلس، درباریان و وقایع روزانه و ... می‌باشد. وی علاوه بر استفاده از دیده

و شنیده‌های خود در تاریخنگاری از روزنامه‌ها، اعلامیه‌ها و لوایح، شبنامه‌های مخفی و ... استفاده فراوان می‌کند. همچنین برای اولین بار است که در تاریخنگاری نویسنده از کتاب‌ها و مقاله‌های خارجی استفاده می‌کند. لذا در مورد انجمن مخفی، کتاب ناظم الاسلام یک منبع بی نظیر است. او عضو انجمن مخفی بود که حدود دو سال قبل از مشروطه ایجاد شده بود. این انجمن در آگاه کردن مردم نسبت به حقوق خود و عقب ماندگی ایران سهم به سزایی داشت. وی در این کتاب، از کسانی نام می‌برد که در وقایع حضور داشتند و اسم و فعالیت‌های آن‌ها را می‌آورد. ناظم الاسلام در این کتاب علل مشروطیت را ریشه‌یابی می‌کند و بر اساس بینش خود این قضایا را شرح می‌دهد. وی در واقع خاطرات و شنیده‌های خود را فقط در موضوع مشروطیت را شرح می‌دهد و به حوادث دیگر کاری ندارد و اساس توجه به تاریخ مشروطیت است. لذا در این دوره، از حمد و ستایش شاهان و درباریان دیگر خبری نیست و عده‌ای از مورخان زمینه را برای محوریت قرار گرفتن موضع خاص را فراهم آوردند. بنابراین درون مایه‌ی تاریخنگاری ناظم الاسلام پرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری و شکست مشروطیت و تحلیل رویدادها می‌باشد.

منابع و مآخذ

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۰). «نامه‌ای از پاریس در باب تاریخ بیداری ایرانیان»، سخن. دوره ۲۱، ش ۲.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران: از صفویه تا عصر حاضر*، ترجمه بهرام مقدادی. تهران: چاپ ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوائی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد پنجم. تهران: روزبهان.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۱). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: علمی.
- طهرانی، آقابرگ (بی‌تا). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بی‌جا: بی‌نا.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.

- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۴۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*. سه جلد. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مشار، خانابا (۱۳۵۵). *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*. تهران: بی‌نا.
- مشیری، محمد (۱۳۴۷). «درباره تاریخ بیداری ایرانیان». *مجله بررسی‌های تاریخی*. سال ۳. ش ۴-۳.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: بی‌نا.
- وره‌رام، غلامرضا (۱۳۶۸). *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.





شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني